

ایرج اسکندری

ضرورت آشنائی دوباره با "مشی توده ای"

تغییر سریع اشکال مبارزه به مقتضای حوادث و رویدادها

پاره ای از روشنفکران مایوس و سرخورده، یافتن اشکال متناسب مبارزه در شرایط مختلف را عملاً تنها در دوران اوج نهضت انقلابی و در واقع به شرط پیروزی بسیار نزدیک انقلاب می پذیرند و کار در میان توده ها و اعمال تاکتیک با نرمش و متنوع را در شرایط فروکش جنبش، دست به دست کردن، **معطل کردن انقلاب** و امر بی حاصل می انگارند. این طرز فکر از بنیاد نادرست است.

"پایه اساسی فعالیت حزب ما تلاش در راه تجمع نیروهای خلق و متحد ساختن آنها برای مبارزه مشترک از طریق عمل و فعالیت مستمر در میان توده های مردم است. اجراء صحیح این وظیفه مستلزم آنست که بر اساس مطالبات روزمره قشرها و گروههای مختلفه مردم (ولو این خواستها گاه کوچک به نظر رسند) و همچنین بر اساس تجربیاتی که توده ها در جریان مبارزه برای تحقق خواستههای میرم خویش بدست میآورند، طرق ممکن و ضرور اتحاد و توافق را با گروها، قشرها و افراد (که گرچه در باره همه مسائل اجتماعی و سیاسی دارای نظریات و عقاید همگون نیستند ولی در مسائل اساسی نهایت اشتراک منافع دارند) بدست آورد. عمده آنست که فعالیت در میان توده ها منجر به عمل جمعی آنها گردد و بر مبنای عمل متحد اشکال سازمانی متناسب با شرایط بوجود آید. چنین سازمانها بهر شکل و صورتیکه تجلی نمایند در حقیقت گام واقعی در راه تحقق وحدت نیروهای ملی و دموکراتیک است." (بخشی از نتیجه گیری، فصل قبلی و منتشر شده در همین مجموعه از مقاله زنده یاد اسکندری که در شماره گذشته راه توده منتشر شد.)

امپریالیسم و ارتجاع تمام مساعی خود را برای تفرقه در میان نیروهای ملی و دموکراتیک به کار می برند و عمال آنها، گاه در لفافه شعارهای ماوراء چپ در درون سازمان های ملی و دموکراتیک رخنه می کنند و با تمام قوا مانع تجمع نیروهای مترقی می شوند. باید توانست با عمل از روی شکیبائی، با افشاء مستدل و مستند تفرقه افکنان و نشان دادن خطا و مضر بودن مشی آنان، با مبارزه ایدئولوژیک مقنع و مؤثر علیه تمایلات ناسیونالیستی و آنارشویستی، با استفاده از درس های خود زندگی و تجارب حاصله از حوادث بتدریج عناصر تفرقه افکن را منفرد ساخت و نیروهای خواستار وحدت را مجتمع نمود.

سومین شرط بروز هنر رهبری سیاسی، علاوه بر درست انتخاب نمودن شکل مبارزه منطبق با شرایط مشخص، عبارت از آمادگی و توانائی حزب در انجام تغییرات هر چه سریع تر در اشکال این مبارزه به **مقتضای تحول** حوادث و رویدادهاست. کوشش در چسبیدن به اشکال گذشته، به الگوهای از پیش پرداخته لایتغییر، به یک سیاست یا شکل سازمانی که دیگر با تغییر وضع تطبیق نمی کند در حقیقت به منزله بکار بردن "سیاست عدم تحرک انقلابی است."

"حزب توده ایران در راه وصول به هدف های ضد امپریالیستی و دموکراتیک خود می کوشد با ارزیابی دقیق تناسب نیروهای اجتماعی و به مقتضای تحول شرایط جنبش توده های مردم، استواری و استحکام اصول را با نرمش و آمادگی برای تغییر روش تاکتیکی ترکیب کند و از کلیه امکانات علنی و غیر علنی برای تامین یک مبارزه مؤثر و واقع بینانه استفاده نماید و اشکال مختلف و ضرور سازمانی را به تناسب شرایط برای مؤثر کردن مبارزه خویش پدید آورد. حزب توده ایران در جهت تعقیب هدف های انقلابی خود شیوه های عمل متنوعی اختیار می نماید. بدین معنی که بر حسب ضرورت پیشرفت مبارزه، از این موضع یا آن

موضع مشخص که در جهت استقلال و دموکراسی و ترقی است در برابر مواضعی که به زیان این هدف هاست پشتیبانی میکند."

پاره ای از روشنفکران مایوس و سرخورده، یافتن اشکال و طرق متناسب مبارزه در شرایط مختلف را عملاً تنها در دوران اوج نهضت انقلابی و در واقع به شرط پیروزی بسیار نزدیک انقلاب می پذیرند و کار در میان توده ها و اعمال یک تاکتیک با نرمش و متنوع را در شرایط فروکش جنبش، دست به دست کردن، **معطل کردن انقلاب** و امر بی حاصل می انگارند. این طرز فکر از بنیاد نادرست است، زیرا هنر واقعی رهبری سیاسی درست در این است که حتی در سخت ترین شرایط بتوان اشکال مبارزه متناسبی را یافت و از همه امکانات برای فعالیت در میان توده های خلق به نحو صحیح استفاده نمود.

راه توده ۱۵۹ ۲۰۰۷، ۱۲، ۰۳